

SID



ابزارهای
پژوهش



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری
STES



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقالات ISI

آموزش مهارت های کاربردی
در تدوین و چاپ مقالات ISI



روش تحقیق کمی

روش تحقیق کمی



آموزش نرم افزار Word برای پژوهشگران

آموزش نرم افزار Word
برای پژوهشگران

ترجمه ضرب المثل در رمان « اللص والکلاب » نجیب محفوظ از دیدگاه بینامتنیت

کبری روشنفکر

استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه تربیت مدرس

احمد حیدری

دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات عربی دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

بینامتنیت یکی از مهم ترین روش های نوآورانه در شعر و نثر و به طور کلی در ادبیات به شمار می آید. در این شیوه، نویسنده با بهره گرفتن از آفرینش های ادبی و مفاهیم موجود در جامعه، به غنای اثر ادبی خود می افزاید. از این رو به عنوان یک رویکرد فرهنگی به تعامل و ارتباط بین فرهنگ و تمدن های مختلف کمک شایانی می کند. بینامتنیت یکی از حوزه های مورد بحث در ترجمه آثار ادبی است، در این بین ضرب المثل با داشتن اشارات فرهنگی خاص یک ملت، چالشی بزرگ به شمار می آید؛ زیرا که ترجمه آن منوط به آشنایی با گفتمان فرهنگی متن مبدأ است. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر آرای نظریه پردازان حوزه ی ترجمه، سعی در بررسی چگونگی ترجمه ضرب المثل های موجود در رمان «اللس والکلاب» نجیب محفوظ است. نتایج نشان می دهد که « معادل فرهنگی » به عنوان یکی از شیوه های موفق مورد استفاده در ترجمه مفاهیم فرهنگی، کمتر مورد توجه قرار گرفته و اغلب به ترجمه تحت اللفظی روی آورده شده که بازتاب فرهنگی ضرب المثل نادیده گرفته شده است، گرچه روش های تلفیقی مورد استفاده توسط مترجمان، سهم عمده ای در پوشش شکاف فرهنگی داشته است. واژگان کلیدی: بینامتنیت، ترجمه، ضرب المثل، معادل فرهنگی، اللص والکلاب.



۱. مقدمه :

امروزه «بینامتنیت»^۱ یکی از مفاهیم رایج در محافل ادبی به شمار می‌آید که نظریه پردازان زیادی را در حوزه نقد ادبی به خود مشغول داشته است. ادیبان از دیرباز تا کنون تحت تاثیر آفرینش‌های ادبی دیگران قرار گرفته و به صورت ناخودآگاه از آن الهام گرفته‌اند و این خود به رشد و تعالی ادبیات در حوزه شعر و نثر، کمک شایانی کرده است.

اصطلاح بینامتنیت به عنوان یک رویکرد فرهنگی - اجتماعی در عرصه‌های مختلف هنری از جمله ادبیات وارد شده و مطالعات زیادی را به خود اختصاص داده است. مفهوم تناس یا بینامتنیت، متن ادبی را موجودی یکتا و بی نظیر نمی‌داند بلکه آن را حاصل مجموعه ای از رمزگان‌ها، سخن‌ها و متن‌های از پیش انگاشته شده می‌پندارد. (آلن، ۱۳۸۵: ۱۲۹).

یکی از چالش‌های پیش روی بینامتنیت، مسئله ترجمه و انتقال شکل آن از زبان مبدأ به زبان مقصد است که ضمن حفظ امانت در ترجمه، زیبایی و جلوه بینامتنیت نیز در روند ترجمه حفظ شود. نظریه پردازان ترجمه روش‌های مختلفی را برای انتقال آن پیشنهاد می‌دهند. در این بین امثال با داشتن اشارات فرهنگی خاص زبان مبدأ، مستلزم دقت و توجه فراوان دارد.

این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر آرای نظریه پردازان ترجمه سعی دارد به بررسی چگونگی برخورد دو مترجم رمان «اللص والکلاب» با بینامتنیت که در امثال نمود پیدا کرده است، بپردازد. در اینجا دو ترجمه انجام گرفته از این رمان مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

ترجمه اول سال ۱۳۸۰ از بهمن رازانی.

ترجمه دوم سال ۱۳۹۰ از محبوبه بهادرستانی.

¹. intertextuality

سوالات پژوهش :

۱. موفق ترین شیوه برای ترجمه بینامتنیت امثال از دیدگاه نظریه پردازان ترجمه، کدام است ؟
 ۲. مترجمان رمان «اللص والکلاب» از چه شیوه ای برای ترجمه بینامتنیت امثال استفاده کرده اند؟
- پیشینه :

در مورد مسئله بینامتنیت و نقد ترجمه، پژوهش‌های ارزشمندی انجام گرفته که به تعدادی از آن در اینجا اشاره می‌کنیم :

حداد (۲۰۰۶) : در مقاله ای با موضوع : « لماذا يعزف المترجمون عن ترجمة الشعر؟ حلول لمشاكل تناسية » (چرا مترجمان از ترجمه شعر سر باز می‌زنند؟ راه حل‌هایی برای مشکلات بینامتنیت) ضمن ارائه بیانی مختصر از مفهوم بینامتنیت، آن را چالشی بزرگ بر سر راه مترجم می‌داند و راه حل‌هایی را برای ترجمه آن پیشنهاد می‌دهد.

خانجان ومیرزا (۱۳۸۶) : در پژوهشی با عنوان « بینامتنیت و پیامدهای نظری آن در ترجمه » : پیامدهای بینامتنیت در ترجمه را « عدم قطعیت معنا ونفی اصالت متن مبدأ»، « تاکید بر اهمیت عناصر بافتی » و « ارتقاء جایگاه حرفه ای مترجم » و . . . می‌داند.

نیازی ونصیری (۱۳۸۸) : « ارزش فرهنگی ترجمه ضرب المثل‌ها و کنایات (عربی - فارسی) : عنوان پژوهشی است که ضمن بیان ارزش والای ضرب المثل‌ها و کنایات، نادیده گرفتن جنبه‌های فرهنگی آن را در فرایند ترجمه، موجب کاهش ارزش آثار ترجمه شده می‌داند و در پایان با ارائه نمونه‌هایی، روش‌های ترجمه بینامتنیت را شرح داده اند.

ادبیات نظری :

بینامتنیت

با مطالعه و کنکاش در متون مختلف ادبی و تامل در آن‌ها، به این نتیجه می‌رسیم که خلق یک اثر ادبی، همواره ارتباطی مستقیم با آثار برجای مانده از دیگر ادیبان دارد، هم چنان که تاثیر محیط و شرایط اجتماعی در خلق یک آفرینش ادبی غیر قابل انکار است.

بینامتنیت و نقد بینامتنی از مباحثی است که در حوزه‌های مختلف ادبیات راه پیدا کرده و پژوهش‌های فراوانی را به خود اختصاص داده است، نظریه پردازان مختلف هر یک از منطری به این مفهوم نگریسته و آن را در نقد متون مختلف به کار گرفته اند (روضاتیان و دیگران، ۱۳۹۰: ۹۰). با بررسی متون مختلف جلوه‌های بینامتنیت نیز ابعاد متفاوتی به خود می‌گیرد.

اصطلاح بینامتنیت را نخستین بار، خانم ژولیا کریستوا در اواخر دهه شصت، در فرانسه مطرح کرد (آلن، ۱۳۸۵: ۳۰)، گرچه این مفهوم نیز مانند دیگر موضوعات جدید، در گذشته نیز تحت عناوینی دیگر همچون: اقتباس و تضمین و... به کار گرفته می‌شده‌اند. اصحاب مکتب بینامتنیت معتقدند: «هیچ متنی مستقل از دیگر متن‌ها نیست و شکل‌گیری و ارائه تفسیر هر متن، تحت تاثیر متن‌های دیگر و با مراجعه به آن‌ها صورت می‌گیرد؛ پس شکل‌گیری هر متنی حاصل بینامتن‌های دیگر است (گودرزی و لمراسکی، ۱۳۹۱: ۳۷).

مهم‌ترین هدف بینامتنیت، کشف نشانه‌ها و آثار مثبت متون دیگر بر یک متن است؛ چرا که بینامتنیت مطالعه و بررسی روابط میان متن حاضر و متون دیگر است به طوری که خواننده را در درک عمیق‌تر و فهم بهتر یک متن یاری می‌رساند (امانی و دیگران، ۱۳۹۱: ۸۷).

در فرایند بینامتنیت یک شاعر یا نویسنده ممکن است از منابع مختلفی برای غنی کردن اثر خود استفاده کند، آثار دیگر ادبا در کنار قرآن، گنجینه گرانبهایی است که عموماً شاعران

۹۹۷ / مجموعه مقالات برگزیده برای چاپ، ج ۳، همایش ملی بینامتنیت (التناصر)، پاییز ۱۳۹۳ - قم

ونویسندگان از آن به شکل مختلفی بهره می‌گیرند. یکی از نمودهای فرهنگی بینامتنیت، توجه به ضرب المثل‌های رایج در بین مردم است.

ضرب المثل همایش ملی

ضرب المثل یک شعبه مهم از ادبیات هر زبان و نماینده ذوق فطری، قریحه ادبی، افکار، عادات، اخلاق و احساسات اهل آن زبان بوده و بیانگر عظمت و وسعت آن زبان و علو فکر ادبی اهل آن است. ضرب المثل به مثابه یکی از عناصر مهم در قلمرو فرهنگ و ادبیات هر زبانی بسیاری از زوایای آشکار و نهفته فرهنگ عامه ملت را از نسلی به نسل دیگر نمایان می‌سازد (زارع، ۱۳۹۲: ۸۶).

در مورد ضرب المثل، تعاریف متفاوتی ارائه شده است. که تعریف جامع آن بدین صورت است که: « مثل گفتار کوتاه و پرمعنی متداولی در هر زبان است که معمولاً بیان‌کننده افکار و عقاید عامه می‌باشد و قسمتی از هر زبان متداول است که با سایر اشکال ادبیات مردمی آن زبان مانند افسانه‌ها و داستان‌ها که از اصول و رسوم گفتاری سرچشمه می‌گیرند، بستگی دارد (سهراب زاده و یزدخواستی، ۱۳۸۸: ۶۷).

در ضرب المثل چهار امتیاز موجود است که در سایر انواع کلام با هم یافت نمی‌شود و آن چهار امتیاز عبارتند از: « اختصار لفظ، وضوح معنی، حسن تشبیه، لطافت کنایه و این آخرین درجه بلاغت سخن است که ما فوق آن متصور نیست » (ذوالفقاری، ۱۳۹۱: ۹۶).

پدید آمدن ضرب المثل‌ها مقاصد و اهداف مختلفی را دنبال می‌کند، گاه به « قصد توصیه، نصیحت، زنده‌داردن، نقادی وضعیت و رفتار و توصیف طنزگونه‌ی موقعیت‌ها، قضاوت در مورد کنش‌ها و انتقال تجربه یا معرفت به دیگرانی که با ابزار همان زبان می‌اندیشند » (سهراب زاده و یزدخواستی، ۱۳۸۸: ۶۸).

ترجمه و بینامتنیت ضرب المثل

بینامتنیت یکی از موضوعات مورد بحث در حوزه ترجمه آثار ادبی است، مترجم ضمن دریافت دقیق بینامتنی موجود در اثر مبدأ، بایستی آن را با رعایت امانت در متن مقصد انتقال دهد. یاکوبسن (R. Jakobson) نظریه پرداز حوزه ترجمه و زبان شناسی « ترجمه بینابانی، یعنی تبدیل نشانه‌های کلامی یک زبان به نشانه‌های کلامی زبان دیگر را یکی از انواع بینامتنیت می‌داندست (روضاتیان و میرباقری فرد، ۱۳۹۰: ۹۲).

موضوع بینامتنیت به طور تنگاتنگ با موضوع‌هایی هم چون ترجمه، بینانشانه ای، بینا رسانه ای، بینا فرهنگی و... در ارتباط مستقیم است (نامور مطلق وکنگرانی، ۱۳۸۸، ۸۳). کار مترجم در واقع کنار زدن متن اصلی است و مخفی شدن پس این واقعیت که ترجمه در جایی دیگر منشأ دارد و گذر از زبان مبدأ به زبان مقصد برای نیل به تعادل نقشی ضرورت دارد (خان جان، ۱۳۹۰: ۱۰۱).

قرآن، احادیث، دواوین شعرای پیشینیان، گفتارهای مهم، ضرب المثل‌ها و... منابع عمده مورد بحث در مسئله بینامتنیت است که مترجمان بایستی به آن تسلط کافی داشته و آن را به خوبی تشخیص داده و به بهترین نحو آن را در زبان مقصد بازآفرینی کنند تا ضمن آشنایی خواننده با مورد بینامتنیت، زیبایی و لطافت اثر ادبی به خوبی نشان داده شود.

یکی از نمودهای بینامتنیت در آثار نویسندگان، استفاده از ضرب المثل‌های رایج در بین مردم است. مثلها ارزش روانی، بلاغی و هنری دارند. در ترجمه اصل بر آن است که:

۱. اگر توانستیم ضرب المثل معادل آن را که در زبان فارسی قدیم و جدید رایج است، می‌آوریم.

۲. اگر دارای ترجمه ای خوش معناست، ترجمه اش را می‌آوریم در این شرایط ترجمه و معادل معنایی ساده آن را که دیگر ضرب المثل نیست و در واقع مفهوم عادی آن است عرضه می‌داریم (خرمشاهی، ۱۳۹۱: ۲۶۶).

به عبارت بهتر بهترین روش برای ترجمه ضرب المثل‌ها، استفاده از معادل مفهوم همان ضرب المثل در زبان مقصد است و اگر این روش موفقیت آمیز نبود، مانند دیگر متن‌ها،

۹۹۹ / مجموعه مقالات برگزیده برای چاپ، ج ۳، همایش ملی بینامتنیت (التناص)، پاییز ۱۳۹۳ - قم

ترجمه می‌کنیم به شرط این که معنا و مفهوم به خوبی به خواننده در زبان مقصد انتقال داده شود و ضرر معنایی حاصل نشود (العیس، ۱۹۹۱: ۵۰).

جایگزینی ضرب المثل زبان مبدأ با همتای آن در زبان مقصد، به عنوان « معادل فرهنگی Cultural equivalent» تعبیر می‌شود، که عبارت از: «ترجمه‌ی واژه فرهنگی از

زبان مبدأ به واژه ای فرهنگی در زبان مقصد است» (نیومارک، ۲۰۰۶: ۱۳۰).

از دیگر روش‌های ترجمه ضرب المثل که یکی از نمودهای فرهنگی ملت‌های مختلف است، روی آوردن به تفسیر و توضیح مفهوم در حاشیه کتاب است، «اطلاعات افزوده ای که خود مترجم باید به ترجمه اش اضافه کند، معمولاً توضیحات فرهنگی که تفاوت میان فرهنگ زبان مبدأ و مقصد را نشان می‌دهد (همان: ۱۴۵). و گاهی مترجمان نیز از چند روش به صورت همزمان برای ترجمه یک مفهوم یا اصطلاح فرهنگی بهره می‌برند که نیومارک از آن به عنوان روش تلفیقی یاد می‌کند.

برخی نیز ضرب المثل‌ها را مانند بعضی متون دیگر، ترجمه ناپذیر عنوان نهاده اند؛ زیرا که آن قدر با زندگی و فرهنگ آن زبان عجین شده اند که برگردان آن به زبانی دیگر که دارای فرهنگی متفاوت است، کاری بس دشوار خواهد بود (خرمشاهی، ۱۳۹۱: ۲۲۸).

نجیب محفوظ:

نجیب محفوظ رمان « اللص والکلاب» خود را در سال ۱۹۶۱ روانه بازار نشر نمود. نویسنده در این رمان رمزگونه خود به شرایط سیاسی و اجتماعی دهه شصت مصر اشاره می‌کند و در مورد موضوعاتی هم چون: دین، جامعه مصر، زن سخن گفته و به صورت غیر مستقیم از نظام حاکم مصر، انتقاد می‌کند. (محفوظ، ۱۳۹۰: جلد کتاب). این رمان برنده‌ی جایزه‌ی بین المللی نوبل و نیز جوایز زیادی از جانب دولت مصر شد (جمشیدی و میمندی، ۱۳۹۱: ۴).

بخش تطبیقی:

از جمله ضرب المثل‌های ذکر شده در رمان، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱۰۰۰ / مجموعه مقالات برگزیده برای چاپ، ج ۳، همایش ملی بینامتنیت (التناص)، پاییز ۱۳۹۳ - قم

* خیر البر عاجله (محفوظ، ۲۰۰۶: ۳۸)

رازانی: بهتر از نیکوکاری عجله در آن است (محفوظ، ۱۳۸۰: ۵۰)

بادرستانی: در کار خیر هیچ حاجتی به استخاره نیست (محفوظ، ۱۳۹۰: ۴۰)
این ضرب المثل عمدتاً در کشورهای عربی و به خصوص مصر در مورد مسئله ازدواج، رایج است، اما در این جا برای تسریع و عدم تعلل در انجام کار نیکو، توسط نویسنده استفاده شده است.

ترجمه اول علاوه بر تشخیص ندادن بینامتنی ضرب المثل، آن را به شکل نادرستی در زبان مقصد (فارسی) ترجمه نموده است. اما ترجمه دوم بینامتنی را به صورت صحیح تشخیص سپس با تکیه بر روش معادل فرهنگی آن را به بهترین شیوه به زبان فارسی برگردان نموده است.

* هل تستطيع أن تقيم ظل شيء معوج (محفوظ، ۲۰۰۶: ۱۳۳)

رازانی: آیا می توان سایه چیزی را که کج است، راست کرد؟ (محفوظ، ۱۳۸۰: ۱۴۸)

بادرستانی: می تونی تو سایه یه چیز کج بایستی؟ (محفوظ، ۱۳۹۰: ۱۱۶)
مترجم اول با اینکه ترجمه صحیحی را ارائه داده اما کاملاً مقید به متن اصلی بوده و ظاهراً متوجه بینامتنی ضرب المثل نشده است. مترجم دوم مفهوم را به صورت درستی انتقال نداده و ترجمه وی پذیرفته شده نیست. می توان ضرب المثل را با استفاده از معادل فرهنگی مورد استفاده در زبان فارسی به صورت «سایه کج، کج است» ترجمه نمود.

* هل ذاب كما يذوب الملح (محفوظ، ۲۰۰۶: ۱۰۶)

رازانی: مٹ برف آب شده؟ (محفوظ، ۱۳۸۰: ۱۲۱)

بادرستانی: آب شده رفته زمین؟ (محفوظ، ۱۳۹۰: ۹۷)

این ضرب المثل به خوبی تفاوت فرهنگی موجود در میان دو زبان فارسی و عربی را نشان می دهد. هر دو مترجم به خوبی بینامتنی ضرب المثل را دریافته سپس از روش معادل فرهنگی به جایگزینی آن اقدام کرده اند، اما آشکار است که ترجمه دوم موفق تر است؛ زیرا که معادل فرهنگی مورد استفاده آن، در زبان فارسی پرکاربردتر است. علاوه بر آن،

۱۰۰۱ / مجموعه مقالات برگزیده برای چاپ، ج ۳، همایش ملی بینامتنیت (التناص)، پاییز ۱۳۹۳ - قم

استفاده مترجم اول از واژه « برف » در یک رمان نویسنده مصری که کمتر هوای برفی را تجربه کرده اند، ممکن است برای خواننده ایجاد سوال کند.

* إنه لا يعرف رأسه من رجليه (محفوظ، ۲۰۰۶: ۵۰)

رازانی : او سر از پا نمی شناسد (محفوظ، ۱۳۸۰: ۶۳)

بادرستانی : او فرق سرش رو از پاهاش تشخیص نمی ده (محفوظ، ۱۳۹۰: ۵۱)

مترجم اول با تکیه کامل بر متن اصلی، بینامتنی را متوجه نشده و ترجمه ای اشتباه را ارائه داده است؛ زیرا که در زبان فارسی اصطلاح (سر از پا نشناختن) برای اوج خوشحالی به کار می رود، حال آن که نویسنده چنین منظوری را نداشته است. مترجم دوم نیز به مانند همتای خود، به متن اصلی توجه نموده و ترجمه تحت اللفظی ارائه داده است.

این در حالیست که استفاده از معادل فرهنگی این ضرب المثل شایسته تر به نظر می آید : « دست چپ و راستش را از هم تشخیص نمی دهد » و « هر را از بر تشخیص نمی دهد ».

تعالوه بر حفظ مفهوم اصلی، زیبایی بینامتنی در زبان مقصد نیز حفظ شود.

ضعف الطالب والمطلوب (محفوظ، ۲۰۰۶: ۲۲) *

رازانی : خواسته اندک است و خواهان کوچک (محفوظ، ۱۳۸۰: ۳۲)

بادرستانی : طالب و مطلوب هر دو ناتوانند (محفوظ، ۱۳۹۰: ۲۶)

این ضرب المثل قرآنی است که خدا در باب مبارزه و تحدی با کافران بدین گونه آورده است :

النَّالِ اللَّهِ دُونَ مِمَّنْ تَدْعُونَ الَّذِينَ إِنَّا لَهُمْ فَاسْتَمِعُوا مِثْلَ ضَرْبِ النَّاسِ بِتَأْيِهَا
 هُمْ وَإِنْ لَهُمُ اجْتَمَعُوا أَوْ لَوْ ذُبَابًا خَلَقُوا

وَالْمَطْلُوبُ الطَّالِبُ ضَعْفٌ مِنْهُ يُسْتَنْقِذُ وَهُوَ لَا شَيْءَ الذُّبَابُ يَسْلُ (الحج : ۷۳)

نویسنده از بینامتنی ضرب المثل قرآنی در رمان خود بهره برده است.

مترجم اول بدون توجه به لفظ ضرب المثل، سعی در انتقال مفهوم از طریق معادل فرهنگی داشته، جز این که در این کار موفق عمل نکرده؛ زیرا که معادل فرهنگی مناسبی را اختیار

۱۰۰۲ / مجموعه مقالات برگزیده برای چاپ، ج ۳، همایش ملی بینامتنیت (التناص)، پاییز ۱۳۹۳ - قم

نکرده است. اما ترجمه خانم بادرستانی کمی پیچیده و دشوار به نظر می‌آید. در این گونه شرایط، استفاده از روش تلفیقی مناسب تر به نظر می‌آید؛ بدین صورت که ابتدا ترجمه تحت اللفظی را آورده و سپس در پاورقی به تفسیر بیشتر آن روی آورده و منشأ و شاهد آن را به تفصیل بیان می‌نمائیم، تا ضمن انتقال مفهوم صحیح، امانت بینامتنی حفظ شود. معادل تقریبی این ضرب المثل: «کوری که عصا کش کور دیگری است» می‌تواند باشد.

✽ هل أنا لا أملاً العين (محفوظ، ۲۰۰۶: ۸۱)

رازانی: (محفوظ، ۱۳۸۰: ۹۴)

بادرستانی: مگه چشم گیر نیستم (محفوظ، ۱۳۹۰: ۷۵)

مترجم اول از ترجمه این ضرب المثل متداول عربی، سرباز زده است. مترجم دوم بدون توجه به بینامتنی، با ارائه ترجمه تحت اللفظی به فهم معنا کمک نکرده است. حال آن که استفاده از معادل فرهنگی این ضرب المثل در زبان فارسی مناسب به نظر می‌آید. عبارت «ما را آدم حساب نمی‌کنی» یا «ما را نمی‌بینی» می‌تواند معادل مناسبی برای ضرب المثل مورد نظر باشد.

✽ البعيد عن العين بعيد عن القلب (محفوظ، ۲۰۰۶: ۸۲)

رازانی: از دل برود هر آن که از دیده برفت (محفوظ، ۱۳۸۰: ۷۶)

بادرستانی: از دل برود هر آن که از دیده برفت (محفوظ، ۱۳۹۰: ۹۵)

دو مترجم به خوبی بینامتنی ضرب المثل فوق را در متن اصلی رمان دریافته سپس با انتخاب معادل فرهنگی متداول در زبان فارسی اقدام به ترجمه کرده اند. دو ترجمه صحیح و شیوه انتخابی توسط مترجمان بهترین روش برای انتقال این مفهوم است.

✽ قال: البوليس لا يعجبه العجب! فتمتم سعيد: ولا الصيام في يوم رجب (محفوظ،

۲۰۰۶: ۹۲)

رازانی: گفت: پلیس هیچ از او خوشش نمی‌آید. سعید زیر لب لندید... (محفوظ،

۱۳۸۰: ۱۰۸)

۱۰۰۳ / مجموعه مقالات برگزیده برای چاپ، ج ۳، همایش ملی بینامتنیت (التناص)، پاییز ۱۳۹۳ - قم

بادرستانی : گفت : این چیزا برای پلیس خوشایند نیست ! سعید زیر لب گفت : ونه روزه گرفتن توی رجب (محفوظ، ۱۳۹۰: ۸۶).

ضرب المثل ذکر شده، یکی از امثال متداول و پر کاربرد زبان عربی است که در میان عرب زبانان و به ویژه مردم کشور مصر، استفاده بسیاری می‌شود. اما مترجمان، موفق به انتقال این مفهوم نشده‌اند. مترجم اول علاوه بر عدم تشخیص بینامتنی مثل، از عهده ترجمه صحیح برنیامده و مفهوم خطایی را انتقال داده است، این مترجم، قسمت دوم عبارت ضرب المثل را نیز از قلم انداخته و از ترجمه آن صرف نظر نموده است. مترجم دوم نیز، قسمت اول ضرب المثل را تحت اللفظی با اندکی تصرف برگردان کرده سپس قسمت دوم را لفظ به لفظ ترجمه کرده است. بی‌درنگ آشکار است که قسمت دوم ضرب المثل پیچیده و نامفهوم است؛ زیرا که با قسمت قبل، هماهنگی و برابری دیده نمی‌شود.

قبل از ارائه ترجمه صحیح بهتر است ترکیب اصلی ضرب المثل را که در رمان، توسط دو نفر تکمیل شده بیان کنیم :

(لا يعجبه العجب ولا الصيام في يوم رجب). به نظر می‌رسد اگر مترجم به بینامتنی ضرب المثل موجود، آگاهی پیدا می‌کرد، از ترجمه آن به صورت تحت اللفظی صرف نظر می‌کرد؛ لذا بهتر این بود که مترجمان از روش تلفیقی استفاده می‌کردند به این صورت که ضرب المثل را به شکل تحت اللفظی ترجمه نموده سپس در پاورقی توضیح اضافه کنند: (ضرب المثلی رایج در کشورهای عربی، معادل ضرب المثل : از دماغ فیل افتاده)، به نظر می‌رسد استفاده از روش معادل فرهنگی موفق نباشید؛ زیرا که ضرب المثل در دو ترکیب جداگانه و توسط دو شخص آمده است.



نتیجه گیری :

از بررسی و نقد ترجمه بینامتنی ضرب المثل در رمان « اللص والکلاب » اثر نجیب محفوظ، می توان این گونه نتیجه گیری کرد که :

* بینامتنیت با داشتن زیبایی و ظرافت خاص خود، مایه غنای یک اثر ادبی می شود؛ لذا مترجمان نیز برای ارائه ترجمه بهتر وظیفه دارند، عبارت بینامتنی را در اثر مبدأ به خوبی تشخیص داده و نسبت به انتقال شایسته آن به زبان مقصد اقدام کنند.

* عمده روش مورد استفاده دو مترجم رمان « اللص والکلاب » نجیب محفوظ، بدون شک روش « تحت اللفظی » است، این روش علاوه بر ایجاد نوعی پیچیدگی و ابهام در فهم، موجب پنهان ماندن زیبایی بینامتنی موجود در آن می شود.

* بهترین روش برای ترجمه بینامتنی ضرب المثل، روش معادل فرهنگی است و همان طور که گذشت، زمانی دو مترجم، ترجمه ای سلیس و دلنواز ارائه داده بودند که از این روش بهره برده بودند، هرچند روش تلفیقی که کمتر مورد توجه دو مترجم بود، روشی مناسب برای انتقال شایسته در موارد بسیاری از بینامتنی به حساب می آید.



منابع و مآخذ :

۱. قرآم کریم
۲. آلن، گراهام (۱۳۸۵)، بینامتنیت؛ ترجمه پیام یزدان جو، تهران: نشر مرکز.
۳. امانی ودیگران (۱۳۹۱)، «بررسی چگونگی ارتباط قرآن و شعر جاهلی با رویکرد بینامتنیت»، فصلنامه مطالعات ادبی قرآنی، شماره ۱، صص ۸۳-۱۰۴.
۴. حداد، سلمی (۲۰۰۶)، «لماذا يعزف المترجمون عن ترجمة الشعر»، مجله جامعه دمشق، العدد ۳ و ۴، صص ۳۴۹-۳۷۸.
۵. خانجان، علیرضا و زهرا میرزا (۱۳۸۶)، «بینامتنیت و پیامدهای نظری آن در ترجمه»، مجله مطالعات ترجمه، شماره ۲۰، صص ۵-۲۹.
۶. خرمشاهی، بهاء الدین (۱۳۹۱)، ترجمه کای، نشر ناهید، تهران، چاپ دوم.
۷. ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۱)، «کاربرد ضرب المثل شمع در شعر شاعران ایرانی»، پژوهش‌های ادب عرفانی، شماره ۲۱، صص ۹۵-۱۲۲.
۸. روضاتیان، مریم و سید علی اصغر میرباقری فرد (۱۳۹۰)، «خوانش بینامتنی، دریافت بهتر متون عرفانی»، کاوش نامه زبان و ادبیات فارسی، شماره ۲۳، صص ۸۹-۱۱۲.
۹. زارع، ناصر (۱۳۹۲)، «مثل‌های کهن ایرانی در کتاب التمثیل والمحاضرة ثعالبی»، مجله ادب عربی، شماره ۱، صص ۸۵-۱۰۴.
۱۰. سهراب زاده، مهران و بهجت یزدخواستی (۱۳۸۸)، «مطالعه ساختارهای اجتماعی و فرهنگی در ضرب المثل‌های فارسی»، مجله مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره ۱۴، صص ۶۳-۹۰.
۱۱. العیس، سالم (۱۹۹۹)، الترجمة فی خدمة الثقافة الجماهيرية، منشورات اتحاد الكتاب العربی.
۱۲. گودرزی لمراسکی، حسن (۱۳۹۱)، «بینامتنیت در شعر صلاح عبدالصبور»، شماره ۶، صص ۱۳۵-۱۵۴.
۱۳. محفوظ، نجیب (۱۳۸۰)، دزد و سگ‌ها، ترجمه بهمن رازانی، نشر ققنوس، چاپ پنجم.
۱۴. --- (۱۳۹۰)، دزد و سگ‌ها، ترجمه محبوبه بادرستانی، نشر علم و دانش، چاپ اول.
۱۵. نیومارک، بیتر (۲۰۰۶)، الجامع فی الترجمة، ترجمه حسن غزالی، دارمکتبه الهلال، بیروت.

۱۰۰۶ / مجموعه مقالات برگزیده برای چاپ، ج ۳، همایش ملی بینامتنیت (التناص)، پاییز ۱۳۹۳ - قم

۱۶. نیازی، شهریار و حافظ نصیری (۱۳۸۸)، «ارزش فرهنگی ترجمه ضرب المثلها و کنایات (عربی - فارسی)»، فصلنامه زبان پژوهی دانشگاه الزهراء، شماره ۱، صص ۱۶۷ - ۱۸۴.

همایش ملی بینامتنیت التناص



SID



ابزارهای
پژوهش



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری
STES



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



تازه های آموزش
آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقالات ISI

آموزش مهارت های کاربردی
در تدوین و چاپ مقالات ISI



تازه های آموزش
روش تحقیق کمی

روش تحقیق کمی



تازه های آموزش
آموزش نرم افزار Word برای پژوهشگران

آموزش نرم افزار Word
برای پژوهشگران